

نگاه

مطلق انگاری یکی از موانع همزیستی ادیان

گفتاری از حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی



● **جساران:** یکی از مهم‌ترین سوالاتی که در روزگار فعلی ما مطرح است، این نکته است که موانع همزیستی و مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مذاهب مختلف چیست؟ من امروز به یک عامل آن اشاره می‌کنم و سایر عوامل را به آینده واگذار می‌کنم.«مطلق‌انگاری» یکی از موانع همزیستی است؛ مطلق‌انگاری در حوزه عقاید لازم‌ه دین است و یک دین اگر عقاید خود را سالم، صحیح و کامل نداند دین نیست، بنابراین مراد من مطلق‌انگاری در حوزه عقاید نیست و به پلورالیسم اعتقادی نمی‌خواهم اشاره کنم، چراکه در این حوزه معتقد هستم حقیقت یکی است و بعضی‌ها به آن دسترسی پیدا می‌کنند و برخی دیگر دسترسی پیدا نمی‌کنند؛ مقصود من مطلق‌انگاری رفتاری است، اینکه ما فکر کنیم موجدان و مسلمانان به‌طور اعم، شیعیان به‌طور اخص و دوستان ما به‌طور اخص‌الخواص هر کاری انجام می‌دهند درست است، مطلق‌انگاری است. هیچ ملازمه عقلی‌ای میان عقیده و رفتار وجود ندارد. ممکن است عقیده شما درست باشد اما رفتارتان (حتی با فرض عدالت) غلط باشد؛ زیرا عدالت مانع خطا نبوده و مانع گناه است. اگر ما فکر کنیم هرآنچه پیروان یک مکتب، مذهب، دین و فرقه در طول یک دوره چندصدساله انجام داده‌اند، درست بوده، اشتباه است.

ما از عقاید خودمان دفاع می‌کنیم، اما بسیاری از مسلمانان در طول تاریخ اشتباه کرده‌اند، اینکه ما تصور کنیم دفاع از اسلام دفاع از هر چیزی است که در کجا مسلمانان انجام داده‌اند غلط است. ممکن است مسلمانان در اروپا (هنگام حاکمیت اموی) اشتباه کرده باشند که قطعا این‌گونه بوده است. مطلق‌انگاری در حوزه رفتار آغاز دکماتیسم غلط است، چرا باید از هر کاری که کسانی در طول تاریخ کرده‌اند دفاع کنیم؟

بعُد دوم مطلق‌انگاری، مطلق‌انگاری رقیب است. آیا مطلق‌انگاری رقیب به اینکه هرآنچه هر یک از آنها می‌گویند را به تمام آن رقبا سرایت دهیم، صحیح است؟ نه خوبی‌ها و نه بدی‌ها را به همه نمی‌توانیم سرایت دهیم.

این نوع مطلق‌انگاری که بیان شد، یک آفت در فضای ذهنی ماست؛ همان‌گونه که کانت می‌گوید: «ذهن ما اشیا را بر ادراک خود منطبق می‌کند». ما همواره دلمان می‌خواهد از امور کلی‌سازی کنیم و اصولا یکی از آفات علم کلی‌سازی‌های غلط است؛ با دیدن چند مصداق کلی‌سازی می‌کنیم؛ شش نفر مسلمان یا مسیحی را وقتی دیدیم که کاری انجام می‌دهند می‌گوییم مسلمان‌ها یا مسیحی‌ها این‌گونه هستند.

دلیل این نوع استنتاج‌ها این است که انسان‌ها از نظر روانی علاقه‌مند به ساختن امور کلی هستند. در فلسفه غرب گفته می‌شود که منشاهای روانی افراد آنها را به‌سوی ساختن جوهر کلی، ذاتی و عرضی سوق می‌دهد. گرچه ممکن است به این ایده هم نقدهایی وارد باشد اما این یک واقعیت است که کلی‌سازی از امور به راحتی قابل‌تحقق نیست و این استقرای ناقصی است که شما را به کلی‌سازی غلط می‌رساند. حال ممکن است این غلط در حوزه اندیشه باقی بماند، اما مشکل این است که گاهی به حوزه رفتاری کشیده می‌شود. وقتی چند نفر هندو دیدیم که مسلمانان را می‌کشند، فوراً این نتیجه کلی را می‌گیریم که هندوها مسلمانان را می‌کشند. این غلط است؛ بلکه باید بگوییم بخشی از هندوها نسبت به مسلمانان کینه دارند.

یکی از مهم‌ترین موانع همزیستی این است که انسان‌ها به مطلق‌انگاری رفتاری نسبت به رقیب برسند و همه را با یک چوب برانند و به یک چشم ببیند؛ ما در طول تاریخ آدم‌های خوب یا بد داشته‌ایم و هر دو در ظاهر یک عقیده داشته‌اند. جریان غریغقلانی داعشی و امثال آن در جهان اسلام نتیجه همین مطلق‌انگاری است؛ آنها می‌گویند هر چه شیعه وجود دارد، باید کشت! این روش بر اساس این الگوی ذهنی است که هر کس از ما نیست بد است. به‌طور کلی دو حوزه در جوامع اسلامی منشأ بیشترین تشّت بوده‌اند: ۱- صوفیه ۲- خوارج. صوفیه به خاطر آنکه ملاکشان سرسپردگی بود، مدام شعبه شعبه می‌شدند. خوارج نیز به‌سرعت همدیگر را تکفیر می‌کردند و نتیجه این تقابل، درگیری، قتل و غارت میان آنها در یمن بود.

این‌گونه اتفاقات در تاریخ، نتیجه مطلق‌انگاری خود و حریف است که منحصر به حوزه اندیشه نمی‌ماند؛ اساسا اگر ادیان مطلق‌انگاری نداشته باشند، دین نمی‌شوند اما بحث ما در حوزه رفتار است. چرا کسی که هم‌عقیده من است همواره درست عمل کرده و کسی که هم‌عقیده من نیست، تمام کارهایش غلط است؟ و اگر یک نفر از کسانی که هم‌عقیده من نیستند، کار غلطی مرتکب شد، چگونه می‌توانم آن را به سایر هم‌کیشان او تسری دهم؟

نزهت امیرآبادیان: به تهران که آمد جوانکی بود و هنوز ۲۰ سال نداشت. با هشت تومان پول در جیب و مدرک دیپلم در دست، در روزنامه «ستاره» هم تحریری را تمیز می‌کرد، هم مقاله می‌نوشت و هم غلط‌گیری می‌کرد. اما چند سال بعد سرمقاله‌های او در روزنامه «باختر» دست به دست می‌گشت، هنوز ۲۵ سالگی را از سر نگذرانده بود که سهیلی نخست‌وزیر را «شاه سلطان حسین» نامید، بی‌برده می‌نوشت، مقالاتش آکنده از انتقاد بود، همین قلم تند و تیز نام سیدحسین فاطمی را بر سر زبان‌ها انداخت و همین قلم او را پای جوخه اعدام برد.

۱۲ مهر ۱۲۹۸، محمد نایینی از روحانیون بنام نائین و معروف به سیدالعلما، صاحب پیری شد که او را حسین نامید. حسین سنی نداشت وقتی که شروع به نوشتن مقالات ادبی برای روزنامه‌ها کرد، مقالاتی که توجه افرادی مانند ملک‌الشعرای بهار و دبیر اعظم بهرامی را به خود جلب کرد. در کتاب «کشتکار بر سر قدرت» نوشته شده: «تا رضا شاه از ایران تبعید شود و روزگار پیری و هذیان را در عزلت ژوهانسبورگ بگذراند، همه آنها که جان بر سر قدرت نهاده بودند دستی به قلم داشتند... اما حسین فاطمی بیش از همه این طایفه با قلم آشنا بود. قلم، کار او را بدانجا کشاند که شد شهید بزرگ نهضتی که به روزگار خود در دنیا انفجاری بزرگ آفرید».

در دهه ۱۳۲۰ در دعوی مشروطه‌خواهان و مشروطه‌خواهی آمیخته‌ای از شور و هیجان بود، شتابزدگی بین همه گروه‌ها وجود داشت و خشونت نتیجه جدایی‌ناپذیر آن، نویسندگان، روشنفکران و آزادی‌خواهان، همگی در سودای دنیای شگفت‌انگیز نوبی بودند که گمان می‌کردند تنها چند قدم با آن فاصله دارند. این شتابزدگی تنها مختص جوانانی مانند حسین فاطمی نبود. خشونت بخشی از ادبیات دوره مشروطه و بخشی از تفکر سیاسی آن زمانه بود که تا سال‌های بعد و زمان ملی‌شدن صنعت نفت نیز ادامه داشت.

چنان‌که عارف قزوینی یکی از شعرای مشروطه سروده است:
ایران فدای بلهوسی‌های خائنین/
گرددیه یک قشون فداکارم آرزوست/
خون‌ریزی آجتان که زهر سوری، جوی خون/
ریزد میان کوچه و بازارم آرزوست

در چنین فضایی هر دو سوی مناقشه، قتل و ترور را یکی از راه‌های به کرسی‌نشاندن عقیده و رای خود می‌دانستند. حتی جویندگان راه عدالت و آزادی گمان می‌کردند که این راه را تنها با خون باید شست. آن‌گونه که دکتر سید پور فاطمی برادر دکتر حسین فاطمی، در کتاب «گزند روزگار»، (خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ دوم جهانی، مجلس چهاردهم و بحران آذربایجان ۱۳۲۲- ۱۳۱۷) می‌نویسد، اولین‌بار حسین فاطمی در دوره رضا شاه، به علت نوشتن شعری از میرزاده عشقی در نشریه باختر زندانی شد.

کسانی مانند محیط طباطبایی و حسام دولت‌آبادی، حسین فاطمی را با استعداد آتش‌نوشتنش می‌شناختند، دولت‌آبادی فاطمی را به‌عنوان نماینده مطبوعات در هیاتی به پاریس معرفی کرد، فاطمی به فرانسه رفت و در رشته حقوق در پاریس جنگ‌زده و ویران پس از جنگ جهانی دوم، تحصیل کرد. او با بی‌پولی و مشکلات فراوان اوایل سال ۱۳۲۷ دکتری حقوق خود را با تری با عنوان «گزند کار در ایران» گرفت. جوانکی که با هشت تومان پول به تهران آمده بود، حالا دکتر فاطمی ۳۱ساله بود که در محافل سیاسی ایران شهرت بسیار داشت، شهرتی وابسته به قلم تند و تیزش. در زمان کوتاهی توانست امتیاز روزنامه «باختر امروز» را بگیرد. فاطمی در اولین شماره، روزنامه‌اش را این چنین معرفی کرد: «باختر امروز» با همان تهور دیروز «باختر» با همان وسارت و بی‌بروایی از مصالح غلف‌خورها، پابرهنه‌ها، گرسنه‌ها و بی‌کفن‌ها دفاع خواهد کرد. این روزنامه مال میلیون‌ها مردمی است که در اثر ضعف و ناتوانی در شرایط زندگی قرون وسطی باقی مانده‌اند و از دنیای قرن بیستم خبری ندارند. شعار ما این است: «یا مرگ یا آزادی».

حسین فاطمی را می‌توان قابله «جبهه ملی» دانست. با اتمام مجلس یازدهم، دکتر مصدق و هم‌فکرانش که بعد از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ از فعالیت سیاسی منع شده بودند، بار دیگر به میدان سیاست آمدند و اعلام کردند که خواهان انتخابات آزاد هستند. صبح جمعه ۲۲ مهر ماه ۱۳۲۸ مردم دسته‌دسته در اعتراض به تقلب در انتخابات شانزدهم به دنبال مصدق و فاطمی و برخی دیگر از باران آنان در خیابان کاخ اجتماع کردند، ۲۰ نفر متحصن شدند و دست به اعتصاب غذا زدند اما سرانجام تحصن بی‌نتیجه ماند. مصدق دلگیر و خسته به امیدآبادی رفت. اما با انتشار اعلامیه فاطمی که در آن دربار و هیات حاکمه را محکوم شناخته و انتخابات (دوره شانزدهم) را غیرقانونی اعلام کرده بود، مصدق جان تازه‌ای گرفت. جبهه ملی متولد شد. دکتر فاطمی رئیس کمیسیون تبلیغات، روزنامه باختر ارگان حزب و دکتر مصدق رهبر آن شد. ۱۳ آبان ۱۳۲۸ کلوله حسین امامی در مسجد سپهسالار عبدالحسین هژیر وزیر دربار وقت را کشت. شاه انتخابات را باطل کرد و پیروز این میدان محمد مصدق و جبهه ملی بودند. انتخابات مجددی برگزار شد و هشت نفر از جبهه ملی به مجلس راه یافتند.

در مجلس شانزدهم، مصدق و یارانش توانستند صنعت نفت ایران را ملی کنند. دکتر محمد مصدق بارها گفته که پیشنهاد ملی‌کردن صنعت نفت را فاطمی به او داده بود. محمد مصدق در خاطراتش می‌نویسد: «ملی‌شدن صنعت نفت در سراسر کشور ابتکار شادروان دکتر حسین فاطمی است که چون کمیسیون نفت مجلس شورای ملی پس از چند ماه مذاکره و مباحثه نتوانست راجع به استیفای حق ملت از شرکت نفت انگلیس و ایران تصمیمی اتخاذ کند، دکتر فاطمی با من که رئیس کمیسیون بودم مذاکره نمود و گفت با وضعی که در این مملکت وجود دارد استیفای حق ملت کاری

تاریخ سیاسی

بسم الله الرحمن الرحيم؛ پاینده ایران...

۹۶ سال از تولد دکتر حسین فاطمی گذشت



می‌نویسد: یکی نیست از او بپرسد دیگر شما و فامیل شما از این یک مشت پابرهنه و لختی که ۲۰ سال پدرت آنها را به نفت جنوب زیر نظر مستقیم خویش فروخت و برای ۴۰ سال بعد از خود نیز قرارداد ۱۹۳۳ را باقی گذاشته، چه می‌خواهید؟ ثروت یک مملکت را به غارت بردید، املاک و اموال و نوامیس مردم از دست این خانواده ۳۰ سال است در امان نبوده، حالا هم مثل زده‌ها و بدکارها از تاریکی شب برای کودتا استفاده می‌کنید و برای استراحت به کلاردشت تشریف می‌برید؟ آمدن هژیر و ساعد و رزم‌آرا محصول همین مسافرت‌های کلاردشت و مشاوره با عوامل مستقیم اجنبی بود. این کودتای مسخره دیشب نیز بدون شک از آنجا سرچشمه گرفته است. اگر راست می‌گفتید و نشانه‌ای از حمیت در شما وجود داشت در پناه تاریکی شب دست به این جنایت هول‌انگیز نمی‌زدید و تفنگ سربازانی را که از مالیات غلف‌خوارهای ایرانی تهیه شده و گارد شاهنشاهی شما را تشکیل داده است، بروی وطن‌خواهان نمی‌کشیدید...

دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۳۲

خائنی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد

دکتر فاطمی در سرمقاله روز ۲۶ مرداد شاه را فراری بغداد نامید و خطاب به او نوشت: برو ای خائن که تو را آن قدر اجانب نیز بیست و حقیر شناخته‌اند که دیگر برای ایمن جنایت هولناک که ورق آخر و برگ

نهایی ۱۲ سال سلطنت توست و با اشاره و دستور مستقیم آنان صورت گرفت مزدی به تو نخواهند پرداخت... . اکنون از غارتی‌های پدر و از دلارها و لیره‌های یغماشده خویش باید خرج کاباره‌های اروپا را تأمین کنی. ملت ایران تشنه انتقام است و می‌خواهد تو را در روی میز منهمین دادگاه و آنگاه بر چوبه دار ببیند. تو نیز چون از بغض و نفرت مردم خبر داشتی و هم می‌دانستی که چقدر بی‌شرمانه فرمانبردار و آلت بی‌اراده اجنبی هستی پس از آنکه دستور «ارباب» در برابر یبرداری و مقاومت عمومی نقش بر آب شد به بیرون از مرزهای مملکت فرار کردی.

بروای اسیر اراده اجنبی که تاریخ جنایت‌آمیز دودمان ۳۰ ساله پهلوی را تکمیل کردی، آن سفاکی و خونریزی و چپاول پدر و خیلی از خصوصیات دیگر «خاندان جلیل» این فصل شرم‌آور و این ورق سراپا تنگ آخر را نیز لازم داشت. از مولود کودتای «آیرنسید» جز اینکه در سوم شهریور فرار کند و از مخلوق سوم شهریور نیز غیر از اینکه به نهضت ملی ایران خیانت نماید هیچ انتظار دیگری کسی نداشت.

صدای تنفر ده‌ها هزار مردم تهران که دیروز در بهارستان بر ضد کودتای خاناننه فرزند قراردادی ۱۹۳۳ بلند بود، غریب شادی که از شنیدن خبر فرار از جمعیت برخاست نشان داد که ملت ایران در راه به‌تمرسان‌سازیدن نهضت مقدس خویش تا چه حد مصمم و ثابت و پایدار است.

سرمقاله سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۳۲

شرکت سابق و روزنامه‌های محافظه‌کار لندن دیروز عزا دار بودند

لحن دیروز اخبار و تفسیرهای مطبوعات و رادیوی انگلیس بسیار غم‌انگیز، ماتم‌خیز و سوزناک بود. همین که به لندن خبر رسید که دستور «ارباب» نتوانست کاملاً به‌موقع اجرا درآید و نوزاد ناپاک «کودتا» در مشیمه مادر خفه شد تاثر عمیق همه آن مجالس را که هنوز از محصول کودتای «آیرن‌سید» کلنل همراه و الهام‌دهنده رضاخان بهره می‌بردند و دربار را مجری اراده و تعلیم خود می‌دانستند فرا گرفت و بیشتر از همه روزنامه‌های محافظه‌کار برای «فراری بغداد» گریه و نالان سردادند و نوشتند آخرین حربه‌ای را که ممکن بود با کمپانی سابق قرار و مدار سازش بگذارد از دست ما بیرون رفت و فرار او قدرت و قوت بیشتری به ملت ایران داد تا شانه‌های خودش را به هر قیمتی که هست از نفوذ خارجی رهایی دهد.

ادامه در صفحه ۱۹

منهای پایتخت

بهترین سال امنیتی سیستان و بلوچستان

● **ایسنا؛** زاهدان: علی اوسط‌هاشمی، استاندار سیستان‌وبلوچستان، با اشاره به اینکه بهترین سال امنیتی را در استان پشت‌سر گذاشتیم، گفت: امروز در بهترین موقعیت اجتماعی سیر می‌کنیم. او با اشاره به قدرت‌آفرینی نیروی انتظامی در مرزها، افزود: نیروی انتظامی در رأس امنیت است و از نظر امنیت، سیستان‌وبلوچستان جزء استان‌های شاخص کشور قرار دارد. استاندار سیستان‌وبلوچستان گفت: مردم امروز به نقش پلیس واقف بوده و قدردان تلاش‌های آنها هستند. او گفت: اخلاق گرایی، بندداری و رعایت حقوق، حتی حقوق مجرم، ازجمله وظایف پلیس مقتدر و باایمان است. بودن بر مواضع اسلام، رعایت حقوق همه اقشار حتی مجرمان را الزام‌آور می‌کند. هاشمی بیان کرد: امروز افتخار می‌کنیم‌که‌توانسته‌ایم با موضع قدرت الهی بر جبهه زور و ترور پیروز شده و جهان را به تمکین از قانون واداریم.

اعتراض اصلاح‌طلبان بروجرد به سخنان بیرانوند

● **ایرنا؛ بروجرد:** شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان بروجرد در بیانیه‌ای سخنان نماینده مردم این شهرستان در مجلس شورای اسلامی علیه محمّدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، را محکوم کردند. در بیانیه شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان بروجرد آمده است: درحالی‌که فاجعه منّا باعث داغدارشدن ملت ایران شده است، نماینده منسوب به جبهه پایداری شهرستان بروجرد با دستاویز قراردادن بی‌کفایتی حکام آل‌سعود در عدم بازگشت جان‌باختگان فاجعه منّا و مرتبط‌کردن نامعقول آن با حرکت دیپلماتیک وزیر خارجه در حاشیه اجلاس سالانه سازمان ملل متحد از تریبون مقدس مجلس شورای اسلامی، فضیلت‌های اخلاقی را زیر پا نهاده و با هتاک و ادبیاتی سخیف به وزیر ستوخوش خارجه ناجوانمردانه تاخت. این بیانیه می‌افزاید: ما ضمن محکوم‌کردن این رفتار ناشایست از سوی کسی که باید فرهنگ و ادب شهر فرزنانگان را نمایندگی نماید و از آنجا که این اقدام ناشیانه را موجب سوءاستفاده بیش از پیش جریان فریب و نیرنگ در بروجرد می‌دانیم، در واپسین روزهای دوران نمایندگی وی را متذکر به وظایف خطیر خود در راستای جلوگیری از انحطاط بیش از پیش بروجرد عزیز می‌نماییم.



نگاهی نو، خلاقیتی نو، خدماتی نوین

رستوران لئون شعبه نیاوران

خیابان دکتر باهنر(نیاوران)، بعد از مژده، پلاک ۴۰۶

تلفن: ۰۰۲۲۷۲۲۲

www.leon1960.com